

شبکهٔ پرداخت اقتصاد زیر ذره بین «فرهیختگان»

پول کارت خوان ها کجا می رود؟



فاطمه سادات مرتضوی خبرنگار گروه اقتصاد

در روزهای گذشته گزارش مردادماه شاپرک منتشر شد. براساس این گزارش، حجم تراکنش‌های شبکه شاپرک در مردادماه به ۱۸۸۶ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به تیر ماه امسال رشد ۱۰/۷ درصدی داشته است. همچنین رقم تراکنش‌های شاپرک در مردادماه امسال نسبت به مرداد سال گذشته به‌لحاظ اسمی رشد ۴۲ درصدی و به‌لحاظ ارزش حقیقی (درصد رشد تورم‌زدایی شده)، رشد آن نزدیک به صفر یا بدون تغییر بوده است. نکته جالب توجه گزارش شاپرک، سهم بانک‌های مختلف از گردش مالی صنعت و تراکنش‌های انجام شده در این شبکه است. آمارها نشان می‌دهد بخش عمده و اصلی تراکنش‌های کارت‌ها و همچنین گردش مالی شبکه شاپرک در بانک‌های دولتی صورت می‌گیرد و سهم بانک‌های خصوصی بسیار ناچیز است.

۴۰ درصد بازار کارت اعتباری در قبضه چند بانک بزرگ

داده‌های منتشرشده از سهم بانک‌ها در بازار کارت‌های اعتباری دارای تراکنش در شبکه شاپرک نشان می‌دهد که این بازار با تمرکز بالا در اختیار چند بانک بزرگ قرار دارد. درحالی‌که بسیاری از بانک‌های تخصصی، توسعه‌ای و خصوصی سهمی بسیار اندک یا حتی صفر دارند. بر این اساس، سه بانک ملت، صادرات و ملی با سهم‌های به ترتیب ۴۱٫۲، ۱۷ و ۱۱٫۲ درصد در مجموع بیش از ۴۱ درصد از کل کارت‌های اعتباری دارای تراکنش در شبکه شاپرک کشور را در اختیار دارند. این اتفاق نشان‌دهنده برتری زیرساختی این بانک‌ها در حوزه خدمات اعتباری است. بانک رفاه کارگران با سهم حدود ۸ درصدی و قرض الحسنه مهر ایران با ۶٫۸ درصد نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند، اما فاصله قابل توجهی باسه بانک اول دارند. بانک‌هایی مانند پاسارگاد، تجارت، شهر، سامان و مسکن، هرکدام بین ۳ تا ۵ درصد سهم دارند. این گروه از بانک‌ها، با وجود حضور فعال در بازار مالی، هنوز نتوانسته‌اند جایگاه قابل توجهی در بازار کارت‌های اعتباری کسب کنند. این موضوع می‌تواند ناشی از محدودیت‌های زیرساختی، سیاست‌های اعتباری محافظه‌کارانه یا تمرکز بر سایر حوزه‌های بانکی باشد. افزون بر این باید توجه کرد بانک‌هایی مانند صنعت و معدن، توسعه صادرات، توسعه تعاون و بانک مرکزی با سهم‌های ناچیز یک و کمتر کمتر از یک درصد عملاً نقشی در صدور کارت‌های اعتباری ندارند. این موضوع نشان می‌دهد که مأموریت‌های توسعه‌ای این بانک‌ها به حوزه اعتبار مصرفی و روو نکرده یا نتوانسته‌اند در آن رقابت کنند. برخی کارشناسان حوزه پولی و بانک معتقدند سهم پایین بانک‌های قرض الحسنه و توسعه‌ای می‌تواند به معنای دسترسی محدود اقشار

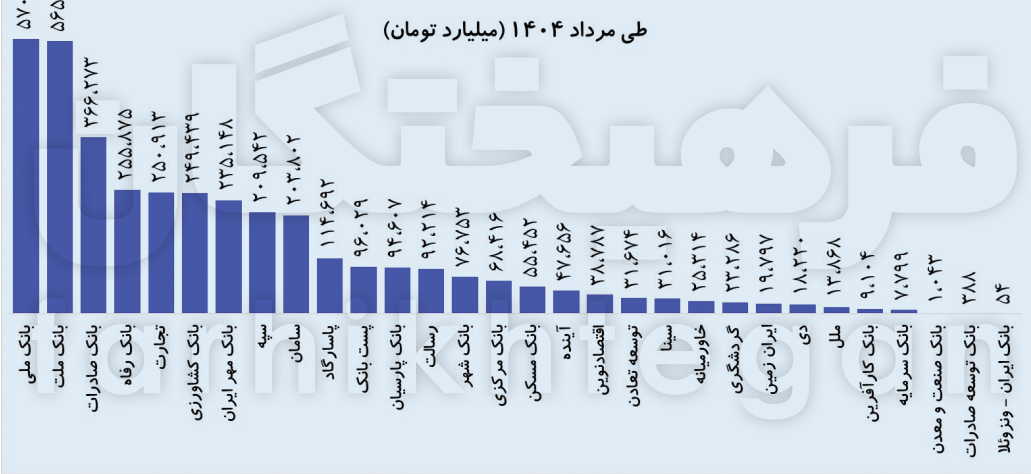
دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۴۵۰۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

سهم هر بانک از کل گردش مالی تراکنش‌های شبکه شاپرک



منازعات توسعه در ایران (۱)

سوال ۷۰ ساله: پروگرام توسعه یا برنامه‌ریزی جامع؟



دانیال داودی پژوهشگر توسعه اقتصادی

اگرچه نخستین تلاش‌های برای برنامه‌ریزی توسعه به سال ۱۳۱۶ و تألیس «شورای اقتصادی» بازمی‌گردد اما نخستین نقطه‌عطف این مسیر بر فراز و نشیب یقیناً شهریور ۱۳۳۳ بود که ابوالحسن ابتهاج رسماً تصدی سازمان برنامه را بر عهده گرفت. از همان روز تاکنون، به گونه‌ای ناپاوارانه برخی منازعات فکری مشخص در سپهر سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بارها و بارها تکرار شده‌اند و دستگاه سیاست‌گذاری نتوانسته در موردشان به جمع‌بندی و اجماع برسد. به عبارت دیگر می‌توان گفت مادر مورد برنامه‌ریزی توسعه، با نزاعی ۷۰ ساله میان نظام‌های باور مواجهیم و تا این منازعات به سرانجام نرسند، در عین حال که تمنای توسعه داریم در جایی ن‌زیم. یکی از این منازعات، اختلاف دیدگاه در مورد «برنامه‌ریزی جامع» است.

اختلاف هارواردی‌ها

برای مشاوره و بنیان نهادن نهاد برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دو گروه مشاور از هاروارد به ایران آمدند. اولی را جورج بالدوین سرپرستی می‌کرد و سرپرست اجرایی گروه دوم، تاس مک‌لنود بود. هر دو نفر گزارشی از تلاش‌های خود منتشر کرده‌اند که در قالب دو کتاب جداگانه به زبان فارسی ترجمه شده است. مک‌لنود در گزارش خود توضیح می‌دهد که دو گروه مشاوره هاروارد در مورد «برنامه‌ریزی جامع» یا یکدیگر اختلاف اساسی داشتند. او می‌گوید: «نسل اول مشاوران هاروارد کاملاً بر اجرای برنامه‌ریزی جامع به عنوان استراتژی خود متعهد شده بودند.» نسل دوم مشاوران اما دیدگاهی

کم‌درآمد به اعتبار رسمی باشد.

۷۰ درصد بازار کارت‌های برداشت در اختیار ۷ بانک کشور

بررسی داده‌های سهم بانک‌ها از کل کارت‌های برداشت دارای تراکنش در شبکه شاپرک نشان می‌دهد که بازار این ابزار پایه پرداخت، به طور قابل توجهی در اختیار بانک‌های بزرگ دولتی است. در صدر جدول، بانک ملی ایران با سهم ۲۰.۲۱ درصدی، به‌تنهایی بیش از یک‌پنجم کارت‌های برداشت دارای تراکنش در شبکه شاپرک را در اختیار داشته است. این سهم بالا، نه تنها نشان‌دهنده گستره عملکردی بانک ملی در شبکه بانکی است، بلکه بیانگر برتری چند بانک در ایجاد زیرساخت‌های پرداخت است. پس از بانک ملی، بانک ملت با سهم ۱۰.۳ درصدی و بانک صادرات ایران با سهم ۹.۵ درصدی در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. مجموع سهم این سه بانک به ۲.۴۱ درصد می‌رسد؛ یعنی تقریباً نیمی از بازار کارت‌های برداشت دارای تراکنش در شبکه شاپرک در اختیار سه بانک دولتی است. پس از آن، بانک‌های سپه، کشاورزی، رفاه کارگران و تجارت، هرکدام با سهمی بین ۶ تا ۷ درصد، در رده‌های بعدی قرار دارند و مساختار بازار همچنان در دست دولت‌هاست. در این میان، بانک سامان با سهم ۵.۸ درصدی تنها بانک غیردولتی هستند که توانسته‌اند سهمی بالاتر از ۴ درصد کسب کنند. بانک‌های خصوصی بزرگ مانند پاسارگاد، پارسیان، اقتصاد نوین و آینده به ترتیب به سهم‌های ۳.۳، یک درصد و کمتر از ۱ درصد در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارند و نتوانسته‌اند در بازار کارت‌های برداشت دارای تراکنش در شبکه شاپرک جایگاه رقابتی قدرتمندی ایجاد کنند. بانک‌های توسعه‌ای مانند صنعت و معدن، توسعه صادرات و توسعه تعاون به سهمی حول‌وحوش صفر درصد عملاً نقشی در صدور کارت‌های برداشت ندارند.

۴۰ درصد کارت‌های هدیه در اختیار ۳ بانک

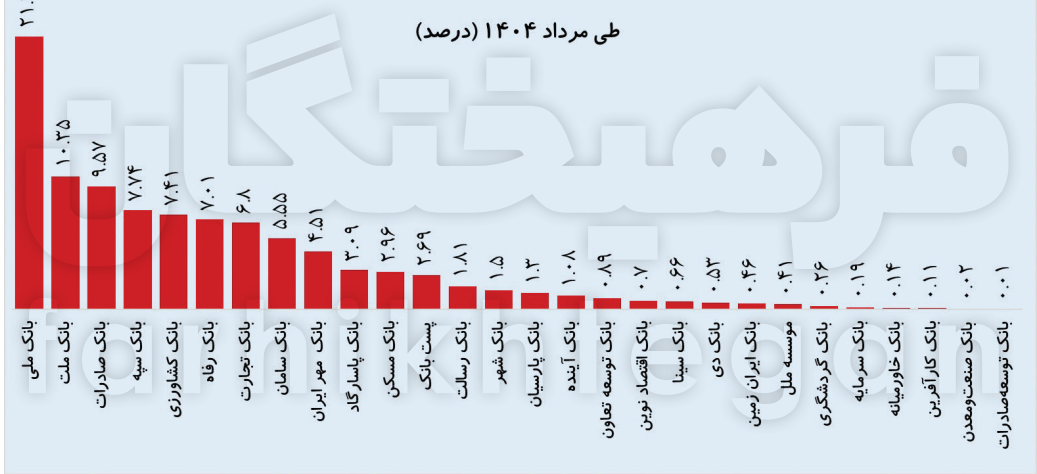
بر اساس آخرین داده‌های گزارش شاپرک تا مرداد امسال، بانک شهر با سهم ۱۴.۴ درصدی از کارت‌های هدیه دارای تراکنش در شبکه شاپرک در صدر بازار صدور کارت هدیه و بن کارت قرار دارد. بانک ملی ایران نیز با سهم ۱۳.۹ درصدی در جایگاه دوم ایستاده است؛ حضوری که احتمالاً وابسته به گستردگی شعب، سابقه تاریخی آن دارد. بانک پارسیان با سهم ۱۰.۴ درصدی، جایگاه سوم را به خود اختصاص داده و تنها بانک خصوصی است که سهم قابل‌تاملی در بازار کارت‌های هدیه دارد. این ۳ بانک در مجموع ۴۱ درصد این بازار را تشکیل می‌دهند. بانک‌های ملت، سپه، مهر ایران، صادرات و تجارت نیز با سهم‌هایی بین ۶ تا ۸ درصد، در میانه جدول قرار دارند. نکته قابل توجه، حضور بانک قرض الحسنه مهر ایران با سهم ۶.۹ درصدی در میان بانک‌های بزرگ است. در انتهای جدول، بانک‌هایی چون بانک صنعت و معدن (۰.۰۷ درصد)، بانک مرکزی (۰.۰۳ درصد) و بانک خاورمیانه (۰.۰۱ درصد) قرار دارند. این سهم اندک، بیش از آن‌که نشان‌دهنده ضعف باشد، بازتابی از مأموریت تخصصی این بانک‌هاست

که تمرکز آن‌ها بر تأمین مالی پروژه‌های کلان، سیاست‌گذاری پولی یا خدمات بین‌المللی است.

سه بانک صدرنشین بازار پرداخت ایران

بر اساس گزارش رسمی شرکت شاپرک از سهم بانک‌های صادرکننده از تعداد کارت‌های بانکی تراکنش دار در شبکه شاپرک در یک ماه اخیر، بانک ملی ایران با سهم ۲۰.۹ درصدی، بانک ملت با ۱۰.۳ درصدی و بانک صادرات ایران با ۹.۵ درصدی سه بازیگر اصلی این بازار محسوب می‌شوند. مجموعاً این ۳ بانک نزدیک به ۴۱ درصد این سهم کل بانک با کارت‌های بانکی تراکنش دار را تشکیل می‌دهند؛ یعنی بیش از دو‌پنجم کارت‌های بانکی تراکنش دار کشور توسط این سه بانک صادر شده‌اند. این یعنی بانک‌های بزرگ با شبکه گسترده شعب و ارتباط با نهادهای دولتی در حوزه پرداخت الکترونیک توانسته‌اند سهم بیشتری را کسب کنند. بانک سامان با سهم ۵.۵ درصدی تنها بانک‌های خصوصی است که در حوزه پرداخت الکترونیک در کنار بانک‌های دولتی و شبه دولتی قرار دارد. گفتنی است نزدیک به ۱۷ درصد از سهم این بازار متعلق به بانک‌های کوچک و خصوصی است. همچنین بررسی گزارش شاپرک در مردادماه حاکی از آن است که سه بانک ملت، ملی و سپه به عنوان ۳ بانک دولتی ۴۰ درصد از کل تعداد تراکنش‌های پرداخت الکترونیک را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس این داده‌ها، بانک ملت با سهم ۱۶.۳ درصدی از تعداد کل تراکنش‌ها، در جایگاه نخست ایستاده است و بیشترین تعداد تراکنش‌های پرداخت الکترونیک در یک ماه اخیر در بستر این بانک صورت گرفته است. پس از آن، بانک سپه با ۱۳.۷ درصد و بانک ملی ایران با ۱۰.۴ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مقابل، بانک قرض الحسنه رسالت با سهم ۳.۵ درصدی، کمترین حضور را در تراکنش‌های پرداخت الکترونیک در مردادماه امسال داشته و پس از آن، بانک تجارت با ۴.۸ درصد و بانک رفاه کارگران با ۴.۹ درصد در انتهای جدول قرار گرفته‌اند. نکته‌ای که به چشم می‌خورد اینجاست که بخش سایر، سهم قابل توجهی در این مقایسه داشته که حدود ۲۰ درصد است و نمایانگر این است که مجموعه‌ای از بانک‌های کوچک و مؤسسات مالی نیز نقش فعالی در شبکه پرداخت کشور ایفا کرده‌اند. داده‌های بالا مربوط به تعداد تراکنش‌ها بود. اما در اینجا لازم است سهم بانک‌ها از مبلغ تراکنش‌ها نیز بررسی شود، چراکه برخی از تراکنش‌ها جزء تراکنش‌های خرد و ناچیز هستند و برخی تراکنش‌ها اعداد بزرگی را به خود اختصاص می‌دهند. بر اساس گزارش رسمی شاپرک در مردادماه سال ۱۴۰۴، بانک ملت با سهم ۱۶.۸ درصد و بانک ملی ایران با ۱۶.۵ درصد در صدر مبلغ تراکنش‌های انجام‌شده در شبکه شاپرک طی یک ماه اخیر قرار گرفته‌اند. نکته جالب توجه این جاست که سهم مجموع بانک‌های «سایر» نزدیک به ۲۱ درصد بوده که نشان می‌دهد عمده مبلغ تراکنش شده در مردادماه در بستر بانک‌های خصوصی و کوچک‌تر صورت گرفته است. به طور کلی در مجموع بیش از ۵۴ درصد از کل مبلغ تراکنش‌های شبکه پرداخت کشور در مردادماه سال جاری در بستر این ۳ بانک به عنوان بازیگران اصلی انجام

سهم هر بانک از کل کارت‌های برداشت دارای تراکنش در شبکه شاپرک



مسئله به «قوانین سیاست در ایران». امروز ما در برنامه هفتم پس از انقلاب، همچنان یک برنامه جامع نوشته‌ایم که از همه چیز حرف‌زده و می‌خواهد به‌طور جامع مسائل را حل کند و هم منتقدان جدی این رویکرد را داریم. بنابراین مسئله هنوز حل نشده است؛ به اجماع نظری نرسیده‌ایم.

نزاع ۷۰ ساله

منتقدان «برنامه‌ریزی جامع» امروز عمدتاً توسعه‌گرایان هستند که معتقدند به‌دلیل ضعف بروکراسی در کشورهای در حال توسعه، اساساً برنامه‌ریزی جامع عملیاتی نیست و ضروری است یک برنامه توسعه صنعتی – به‌معنای انتخاب چند بخش کلیدی، اعطای رانت‌های مولد به این بخش‌ها و اجرای این برنامه توسط آژانس ملی توسعه (یک جزیره شایستگی در میان بروکراسی گسترده ضعیف) – داشته باشیم. در مقابل برخی دیگر از صاحب‌نظران – که عمدتاً متعلق به جریان اصلی اقتصاد هستند – معتقدند چنین برنامه‌ای در ساختار سیاسی‌ای که سطحی از مردمسالاری در آن وجود دارد، قابلیت اجرا ندارد. این افراد همچنین احتمال شکست یک برنامه جزئی و بخشی پیشنهادی شده یا رانت‌های مولد را به دلیل اقتصاد سیاسی کشورهای توسعه‌نیافته، بالا می‌دانند. بنابراین همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، بسیاری از منازعات پیرامون سیاست‌گذاری توسعه در ایران، منازعات تکرارشونده‌اند که ریشه در تاریخ ما دارند. جالب اینکه برخی از این منازعات – مانند اختلاف بر سر «برنامه‌ریزی جامع توسعه» – نه تنها میان ایرانیان بلکه حتی میان پژوهشگرانی که از بیرون به اقتصاد ایران نگاه می‌کنند نیز وجود دارد.

گزارش از سال‌های حضور در ایران را در سال ۱۹۶۴ (حدود ۲ سال زودتر از انتشار گزارش جورج بالدوین) منتشر کرد. بالدوین عنوان فصل سوم گزارش خود را «از برنامه (پروگرام) توسعه تا برنامه‌ریزی جامع» قرار داد و در این فصل به مک‌لنود پاسخ داد. او به‌طور خلاصه استدلال کرده است که «هر دوره‌احل (یعنی برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی جامع) بهتر از فقدان تلاشی سازماندهی‌شده برای توسعه هستند... مطمئناً بهتر می‌بود اگر فضای سیاسی ایران اجازه می‌داد تا این کشور دارای یک برنامه توسعه مؤثر و پایدار باشد، خواه به‌شکل برنامه بخشی و مستقل که در برنامه دوم تجربه شد و یا بر اساس الگوی جامع و هماهنگ‌کننده‌ای که در برنامه سوم مطرح شد.» بالدوین در نهایت نتیجه می‌گیرد که «قوانین سیاست در ایران سبب می‌شوند که هیچ‌یک از این رویکردها به نتایج مورد انتظار نایل نشوند.»

پاسخ ناکافی

بدون اینکه لازم باشد جانب مک‌لنود را بگیریم، می‌توان دید استدلال بالدوین نیز ناکافی است. او توضیح نمی‌دهد منظور از این «قوانین سیاست» دقیقاً چیست که مانع توفیق هر نوع برنامه‌ای – اعم از بخشی یا جامع – می‌شود. اساساً از یک متفکر توسعه انتظار می‌رود اگر علت‌العلل ناکامی برنامه‌های توسعه را «قوانین سیاست» می‌داند، بتواند این متغیر را به‌طور درون‌زا وارد مدل کرده و برایش راه‌حل ارائه کند. از این‌ها مهم‌تر وقتی اکنون پس از گذشت ۷۰ سال همچنان این منازعه فکری پابرجاست، مشخص می‌شود هم توضیح مک‌لنود مبنی بر فقدان «عملگرایی واقع‌بینانه» کافی نیست و هم ریشه‌یابی بالدوین و حواله کردن